

انتقاد از يك كتاب و يك مقاله

طیبه شیرازی

گسترش تاریخ ایران در نظام رده بندی کتابخانه کنگره (DSR) که توسط آقای کامران فانی تنظیم و تدوین و به کوشش مرکز خدمات کتابداری در سال ۱۳۵۹ منتشر شده است، در شماره دوم (بهمن و اسفند ۱۳۶۰) نشر دانش به وسیله خانم نوش آفرین انصاری نقد و بررسی شد!

درباره مطالب متن کتاب و نقد خانم انصاری نکته‌هایی به نظر اینجانب رسیده است که در ذیل به شرح آنها می‌پردازم. در ابتدا، انتشار رده DSR این تصور را در نگارنده بوجود آورد که گامی اساسی در زمینه دانش کتابداری ایران برداشته شده است، ولی بعد از کار کردن با این رده بندی متوجه اشتباهاتی فاحش و اساسی در آن شدم.

در اینجا هدف من کلاً محکوم کردن رده DSR نیست، زیرا به قول معروف «کاجی به از هیچی است». مطلب مورد نظر این است که به بعضی از اشتباهات عمده موجود که توسط نویسنده نقد خانم نوش آفرین انصاری - نادیده گرفته شده است، اشاره شود.

اشتباهات را می‌توان از سه جهت مورد بررسی قرار داد: (۱) علوم کتابداری، (۲) تاریخی، و (۳) املائی. با این حال، در این نقد مختصر تأکید بر روی اشتباهات علوم کتابداری است و به مسائل تاریخی و املائی به طور اجمالی پرداخته خواهد شد.

علوم کتابداری، در حالیکه این بخش به بحث گذاشته می‌شود، لازم است رده DSR را از سه جهت یعنی مقدمه، متن و فهرست مورد توجه قرار داد.

نویسنده نقد (خانم انصاری) می‌گوید: «... با توجه به مقدمه روشن و دستورالعمل‌های پراکنده در متن، استفاده از این رده بندی به سهولت امکان‌پذیر است». برای اینکه نشان داده شود که «مقدمه روشن» آنچنان هم روشن نیست به ارائه نمونه‌هایی مبادرت می‌ورزیم:

اولاً، صفحه ۱۲ مقدمه رده DSR عبارت زیر را به کار می‌برد: «در کنار سالهای هجری قمری، مطابق میلادی آنها نیز ذکر شده است». ولی از صفحه ۷۳ متن اصلی رده بندی (آغاز سلسله پهلوی) به بعد تاریخ شمسی پدیدار می‌شود. شاید برای استفاده

۱. گفتار در روش بکار بردن عقل. ص ۴. چاپ مجلس، تهران، ۱۳۱۸. ترجمه محمدعلی فروغی.

۲. ایضاً، ص ۱۵.

۳. ایضاً، ص ۷۱.

4. Copleston, F., *A History of Philosophy*, Vol. 4, P. 78, New York, 1963.

۵. رساله گفتار در روش، ترجمه فروغی، ص ۱۶.

6. Descartes, *Discourse on Method*, Trans, with an introduction, by F. E. Sutcliffe, P. 18 London, 1968.

۷. برخی از صاحب نظران گفته اند که در این نکته‌یی که دکارت بیان داشته، طنزی لطیف پنهان است، و مقصود او همان بوده است که شیخ سعدی در گلستان فرموده است «همه کس را عقل خود به کمال نماید و فرزند خود به جمال ...؛ و اینکه: گر از سیط زمین عقل منعم گردد به خود گمان نبرد هیچکس که نادانم».

۸. گفتار در روش، ص ۲۱.

9. Keeling, S. V., *Descartes*, P. 41, London, 1934.

۱۰. تأملات در فلسفه اولی، ص ۱۸، همین ترجمه حاضر (با اندک تصرف).

۱۱. ایضاً، صص ۱۷-۱۶.

۱۲. ایضاً، ص ۱۹.

۱۳. ایضاً، ص ۲۰.

۱۴. ایضاً، ص ۲۶.

15. Francois Marie Arouet (Voltaire).

16. John Locke.

17. Sir Isaac Newton.

18. Voltaire, *Philosophical Letters*, Letter 13, English Trans, by Leonard Tancock, P. 63, London, 1980.

19. Ibid, Letter 14, P. 70.

20. Doute Methodique.

۲۱. عقاید زروم کوانیار، ص ۷، ترجمه فارسی؛ و نیز تائیس، ص ۱۷۰، ترجمه دکتر قاسم غنی، تهران، ۱۳۲۰ هـ. ش.

22. Jean - Paul Sartre (1905 - 1980).

23. subjecti vity.

24. *L'Existentialisme est un Humanisme* (1946).

25. Ibid, P. 6 (English translation) London, 1949.

26. J. P. Sartre, *Being and Nothingness*, English Trans., pp. 22-23 London, 1958.

27. Nicolas Malebranche.

28. *Encyclopaedia Britannica*, Vol. 14, P. 694, London, 1968 "Descartes, had discovered in thirty years more truths than all other philosophers together."

29. "I, in being conscious am existent."

30. Edmund Husserl (1869-1938).

31. Versfeld, M., *An Essay on the Metaphysics of Descartes*, pp. 63-4. London, 1949.

۳۲. ر. ک. به: مقدمه کتاب الاسفار الاربعه، که می‌نویسد «الحکمة هی افضل علم بأفضل معلوم...»

کنندگان فارسی زبان این امر واضح باشد، لیکن برای افرادی که با سالهای هجری قمری و هجری شمسی آشنائی زیادی ندارند، خود مسأله جدیدی را باعث می شود. به نظر می رسد که اشاره به وجود سالهای هجری شمسی در مقدمه و استفاده از آن از سلسله پهلوی به بعد لازم بود.

ثانیاً، در صفحه پانزده بلافاصله بعد از مثال «در مورد آذربایجان» به رده بندی شهرها پرداخته می شود: «در مورد شهرها ۹، ۶، ۳ و ۱ شماره بنا بر اهمیت و وسعت شهر در نظر گرفته شده».

من به عنوان استفاده کننده رده بندی نتوانستم شهری را پیدا کنم که دارای ۶ یا ۳ شماره باشد؛ اگر شماره های ۲۵-۳ (صفحه ۸۳) اردبیل اشتباه است، آیا این اشتباه مجدداً در مورد انزلی (صفحه ۸۴) هم تکرار شده است؟ زیرا، این ارقام نشان می دهند که شهرهای فوق پنج شماره ای هستند، نه شش شماره ای. شهر سه شماره ای نیز اساساً در متن رده بندی وجود ندارد. آنچه به چشم می خورد چهار شماره ای است مثلاً اباده (صفحه ۸۳) که دارای شماره رده بندی ۲۸ - ۲۵ است. برای درک بیشتر مطلب، مورد فوق را می شکافیم: در مثال شهر اردبیل به بیان دانشمند علم کتابداری استفاده از شماره های کاتر متوالی (Successive Cutter) پیشنهاد می شود. اکنون به متن اصلی رده بندی رجوع می کنیم و با استفاده از جدول تقسیم بندی (شش شماره ای) در صفحه ۸۳ برای شهر اردبیل تقسیمات فرعی مشابهی درست می کنیم. ولی پیش از چنین کاری، از نظر مقایسه و پی بردن به اشتباه بسیار مهم موجود در طرح رده بندی، لازم است عین تقسیمات فرعی مربوط به شهر اردبیل را در متن اصلی رده بندی در صفحه ۸۳ عرضه کنیم:

۶ شماره (صفحه ۸۳)

- (۱) نشریات ادواری، انجمنها
- (۲) بناها و آثار تاریخی
- (۳) سرگذشتهماها
- (۴) آثار کلی، اوضاع اجتماعی
- (۵) تاریخ
- (۶) بناهای جدید

برای اخذ نتیجه بهتر لازم است تقسیم بندی فوق را با مثال صفحه پانزده مقایسه کنیم و در عین حال، به طوری که در بالا اشاره کردیم، به تقسیم بندی مشابهی نیز مبادرت ورزیم تا اشتباه مورد نظر که با علامت سؤال (؟) مشخص شده است مشخص شود:

۶ شماره ص پانزده

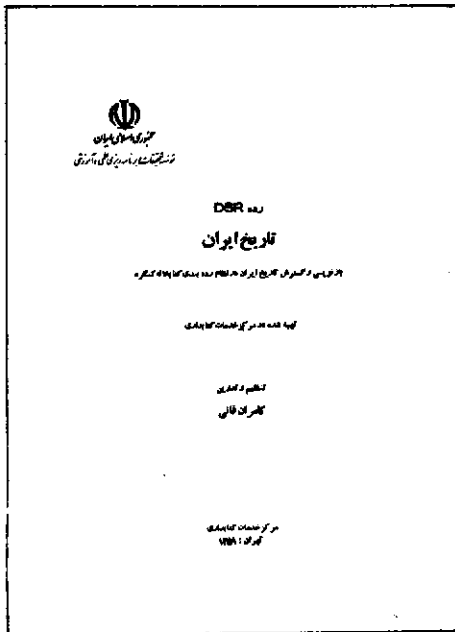
ص ۸۳

۲۰۷۳/۳۱	نشریات ادواری	۲۰۷۳/۳۱
۳۲ ر /	بناها و آثار تاریخی	۳۲ ر /
۳۳ ر /	سرگذشتهماها	۳۳ ر /
۳۴ ر /	آثار کلی	۳۴ ر /
۳۵ ر /	تاریخ	۳۵ ر /
؟	مباحث دیگر	۳۶ ر /

به طوری که از مقایسه تقسیمات فرعی فوق بر می آید، آخرین شماره با نتیجه ای که حاصل می شود تطبیق نمی کند. به عبارت دیگر، اولاً شماره هایی که در صفحه ۸۳ به شهر اردبیل اختصاص داده شده، یعنی ۳۵ - ۳، شش شماره نیست، ثانیاً، از هر نظر که این دو مورد را بررسی کنیم به تناقضی برخورد خواهیم کرد یعنی یا مثال صفحه پانزده نادرست است و یا اینکه اختصاص شماره های ۲۵ - ۳ به اردبیل در صفحه ۸۳.

بعلاوه، همچنانکه شماره های موجود در تقسیمات فرعی را کاتر متوالی خواندیم، چرا به شهر اباده در صفحه ۸۳ شماره های ۲۸ - ۲۵ اختصاص داده شده است؟ آیا این شماره ها را نباید به صورت ۲۵۳ - ۲۵ در بیاوریم، زیرا منظور از شماره های کاتر متوالی افزودن رقم به سمت راست شماره رده بندی مورد نظر است. کما اینکه این کار در بسیاری از موارد، از جمله در صفحه چهارده و پانزده مقدمه در مورد آذربایجان و اردبیل انجام شده است، بدین ترتیب که شماره آذربایجان در طرح رده بندی ۴ ذ / ۲۰۰۱ است و با استفاده از جدول تقسیم بندی کلی اگر بخواهیم نشریات ادواری مربوط به آذربایجان را رده بندی کنیم شماره (۱) را از جدول فوق، فقط به سمت راست شماره رده بندی آذربایجان علاوه می کنیم که می شود ۴۱ ذ / ۲۰۰۱. حال، چرا این کار را در مورد شهر اباده انجام ندهیم؟ اگر چنین کنیم، شماره اباده با استفاده از جدول تقسیم بندی در صفحه ۸۳ باید ۳۵۳ - ۳۵ شود در حالی که تقسیم بندی شهر اباده غیر از این است و تازه در این کار هم اشتباه فاحشی بچشم می خورد. برای اثبات این ادعا بر اساس خود طرح رده بندی عمل می کنیم:

۲۰۷۱ (أ)	نشریات	صفحه ۸۳
۲۰۷۱ ب /	بناها و آثار تاریخی	۲۰۷۱ ب /
۲۰۷۱ ب /	تاریخ	۲۰۷۱ ب /



آیا نویسنده اثر یا نویسنده نقد می‌توانند بگویند که شماره ۲۸ از شماره مربوط به شهر آباده (یعنی ۲۸-۳۵) از کجا پیدا شده و به چه منظور باید مورد استفاده قرار گیرد؟ پس در این مورد نیز تناقض و دوگانگی وجود دارد: هم شماره‌هایی که به شهر آباده اختصاص یافته نادرست است، و هم دستورالعمل موجود در مقدمه «روشن»!

حال، پس از پرداختن به مقدمه، لازم است به متن اصلی رده بندی توجه شود. در این مورد، توجه به نقد خانم انصاری نیز خالی از فایده نخواهد بود.

وی در صفحه ۸۲ مقاله خود بیان می‌کند که برای بررسی و کنترل تاریخهای ذکر شده در متن رده بندی، از روش نمونه‌گیری بهره برده است: «تاریخ میانی هر پنجمین صفحه را از شروع رده بندی انتخاب نمودیم...» آنگاه جدولی را ارائه می‌دهد که در اینجا فقط قسمتی از آن عرضه می‌گردد:

صفحه رده بندی	پادشاه یا سلسله	تاریخ رده بندی	تاریخ بر اساس مراجع
۴۰	اسماعیلیان	۴۸۳ - ۶۵۴ هـ. ق.	۴۸۳ - ۶۵۴ هـ. ق.
۴۵	هلاکو	۶۵۱ - ۶۶۳ هـ. ق.	۶۵۲ - ۶۶۳ هـ. ق.
۵۰	مظفریان	۷۱۳ - ۷۹۵ هـ. ق.	۷۱۳ - ۷۹۵ هـ. ق.
۵۵	اوزون حسن	۸۵۷ - ۸۸۲ هـ. ق.	۸۵۷ - ۸۸۲ هـ. ق.
۶۰	استیلای افغانه	۱۱۳۵ - ۱۱۴۲ هـ. ق.	۱۱۳۵ - ۱۱۴۰ هـ. ق.
۶۵	فتحعلیشاه قاجار	۱۲۱۲ - ۱۲۵۰ هـ. ق.	۱۲۱۲ - ۱۲۵۰ هـ. ق.
۷۰	_____	_____	_____
۷۵	مصلق، محمد	۱۲۶۱ - ۱۳۴۵ هـ. ق.	۱۲۶۱ - ۱۳۴۵ هـ. ش.

هجری قمری درست نیست و صحیح آن هجری شمسی است. حال توجه به پاره‌ای از مسائل موجود در متن اصلی رده بندی ضروری است، اولاً باید دانست که مرکز خدمات کتابداری ناشر «فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان» نیز هست و اساساً این «فهرست» را به منظور ایجاد هماهنگی در انتخاب اسامی بین کتابخانه‌های مختلف ایران منتشر کرده است، رده بندی DSR نیز از انتشارات مرکز خدمات کتابداری است و به منظور ایجاد هماهنگی در گزینش اسامی بایستی «فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان» را مبنای کار خود قرار می‌داد. اما شواهد خلاف این را نشان می‌دهد و این جای تعجب است:

در صفحه ۳۶ یعنی در شماره رده بندی ۷۹۴ نام ابوالفضل بیهقی را بدین صورت ملاحظه می‌کنیم: ابوالفضل. در

به طوری که ملاحظه می‌شود، شماره صفحه مربوط به هلاکو ۴۵ است، در حالی که شماره صفحه در متن اصلی رده بندی ۴۷ است. این نشان می‌دهد که حکم نویسنده نقد درست نیست. چنانچه نویسنده نقد ادعا کند که «تاریخ میانی هر پنجمین صفحه را» بررسی کرده و این بررسی صحیح است، این مطلب باید درباره شماره صفحه‌ها نیز صادق باشد. در حالی که، وضعیت موجود، خلاف آنرا نشان می‌دهد، زیرا اساساً در صفحه ۴۵ نامی از هلاکو به میان نیامده و به طوری که گفته شد موارد مربوط به هلاکو در صفحه ۴۷ مطرح گردیده است. در جدول مزبور اشتباه فاحش دیگری بچشم می‌خورد که مربوط به سال هجری قمری است و در ستون «تاریخ رده بندی» در برابر تاریخ تولد و وفات محمد مصدق بچشم می‌خورد. توجه مختصری به این مطلب روشن می‌کند که

نیست. برای مثال، صفحه ۹۰ متن اصلی مربوط به اسامی شهرهایی است که با حرف «م» آغاز می‌شوند:

۲۱۲۱ (م)

۶ الف	ماکو
۸ الف	ماهان
۳ ح	محلات
۷ خ	محمودآباد

در صورتی که شهرهای فوق را مورد تحلیل قرار دهیم به نتیجه زیر خواهیم رسید:

۲۱۲۱ (م) اسامی استانها

۶ الف	ماکو	← آذربایجان غربی
۸ الف	ماهان	← کرمان
۳ ح	محلات	← استان مرکزی
۷ خ	محمودآباد	← مازندران

به همین ترتیب، می‌توان سایر حروف الفبا را هم مورد تحلیل قرار داد. خلاصه، چیزی که از جدول تنظیمی آقای فانی به دست می‌آید، آشی است که ترکیب اساسی آن را حروف الفبا تشکیل می‌دهد. آیا این را می‌توان به کمبود وقت نویسنده نسبت داد؟ یا اینکه وی از يك روش بسیار نیستماتیک استفاده نکرده است؟ بالأخره، مورد آخر نقد و بررسی مربوط به فهرست رده بندی است که به بیان نویسنده نقد «... بسیار دقیق تنظیم شده است و کمک مؤثری می‌کند...»

اولاً، نویسنده نقد با چنین تعریف و توصیفی، به مواردی از فهرست اشاره می‌کند که خود نادرستی آن را به اثبات می‌رساند (صفحه ۸۳ مقاله). ثانیاً، در صفحه ۸۱ مقاله تحت عنوان فرعی «فهرست الفبائی (۹۷-۱۱۳)»، در مورد مقدمه و متن اصلی رده بندی بحث می‌کند، لیکن حتی يك جمله درباره خود فهرست نمی‌نویسد.

تا آنجا که به فهرست رده بندی DSR مربوط می‌شود در صفحه ۱۰۲ فهرست «جمهوری اسلامی ایران» بدین صورت ارائه شده است:

جمهوری اسلامی ایران ۱۵۰۰

در حالی که، در رجوع به شماره رده بندی تخصیصی (صفحه ۷۴) به مطلب زیر برخورد می‌کنیم:

حالی که «فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان» در صفحه ۱۰۱ نام وی را به این صورت نوشته است: بیهقی، محمدبن حسین، ۲۸۵-۴۷۰ ق.

در صفحه ۶۶ متن اصلی رده بندی شماره رده بندی ۴ ف ۱۳۹۱/ به فرخ خان امین الدوله اختصاص یافته است. در حالی که نام این شخص در «فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان» امین الدوله غفاری، فرخ بن محمد - ۱۳۸۸ ق. درج شده است. همچنین نام رشیدالدین فضل الله همدانی در «فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان» رشیدالدین فضل الله انتخاب شده است.

بعلاوه آقای فانی می‌توانست با مراجعه به کتاب اخیر تاریخهای تولد یا وفات مدخلها را تکمیل نماید:

رشیدالدین فضل الله همدانی ۶۴۸؟ - ۷۱۸ ق. (ص ۴۹)
امیرکبیر، تقی ۱۲۲۰؟ - ۱۲۶۸ ق. (ص ۶۴)
دیگر اینکه در صفحه ۳۶، شماره رده بندی ۷۹۴ در یادداشت زیر نام ابوالفضل بیهقی آمده است «... آثاری که به جنبه ادبی تاریخ او اشاره دارند در ادبیات می‌آیند».

همینطور، در صفحه ۵۴ در یادداشت ذیل شماره رده بندی ۱۱۳۳ آمده است: «آثار ادبی میرعلیشیر را در PI بیاورید».

ولی در صفحه ۵۸، شماره رده بندی ۱۲۱۷ (مربوط به عباس اول) اختصاص به «داستانها» دارد. و در زیر «انقلاب مشروطه» در صفحه ۶۸، شماره رده بندی ۱۴۰۶ به «اشعار و تصانیف» اختصاص داده شده است.

آیا موارد فوق جزء آثار ادبی محسوب نمی‌شوند؟ در صورتی که جواب مثبت باشد، آیا نباید آنها را به طرح P ارجاع داد؟ دیگر اینکه شماره رده بندی ۱۴۴۹ در صفحه ۷۰ متعلق به «آثار» است. سؤالی که مطرح است این است که آثار کی یا چی؟ و بالأخره، مسأله مهم مربوط به متن رده بندی، مسأله «تاریخ محلی، ولایات و استانها و غیره، آ - ی» است (ص ۷۹).

این هسمت اگرچه به ترتیب حروف الفبا مرتب شده است، ولی از نظر تقسیمات جغرافیایی و علوم کتابداری منظم و مرتب

چنین شماره‌ای در نظر گرفته نشده است. این اشتباه در مورد مدخل‌های بسیاری از جمله حزب توده نیز صادق است. مسائل تاریخی. اگرچه نگارنده این سطور از علم تاریخ اطلاعات زیادی ندارد، ولی بررسی متن اصلی رده بندی، خود به طور وضوح مسائل تاریخی را (که نادیده گرفته شده است) مطرح می‌سازد.

اولاً، در این طرح رده بندی، جنگ جهانی اول به طور مختصر در ارتباط با سلسله قاجاریه (ص ۷۲) مورد توجه قرار گرفته است. در حالی که، جنگ دوم جهانی اساساً از نظر نویسنده طرح نادیده گرفته شده است. چرا؟ اگرچه ایران در خلال جنگ جهانی دوم کشور بیطرفی باقی مانده بود، ولی سران کشورهای از قبیل انگلستان، شوروی و آمریکا در تهران با همدیگر ملاقات نمودند و تصمیمات مهمی را اتخاذ نمودند که علاوه بر تأثیر در خط مشی سیاسی ایران، در صلح جهانی نیز مؤثر بود. کتابهایی که در این رابطه نوشته شده و یا نوشته خواهند شد در کجا قرار می‌گیرند؟ چه شماره رده بندی به آنها اختصاص می‌یابد؟

ثانیاً، «روحانیت (دوره مصدق)» دارای شماره رده بندی ۱۵۳۰-۱۵۳۳ است (متن، ص ۷۶)، در حالیکه به مصدق شماره‌های ۱۵۱۴-۱۵۱۵ (متن، ص ۷۵) اختصاص یافته است. البته از طریق فهرست نیز می‌توان به این نتیجه رسید. با توجه به فواصل زیاد در شماره رده بندی بین مصدق و روحانیت دوره مصدق لازم است که شماره‌های رده بندی روحانیت دوره مصدق پیش از این مورد بررسی قرار می‌گرفت، یعنی در دوره‌ای که مصدق مورد توجه قرار گرفته است. در ضمن چه ارتباطی بین ۱۵ خرداد و دوره مصدق وجود دارد؟ (ص ۷۶).

و ثالثاً انقلاب مشروطه (ص ۶۸ و ۶۹) دوبار تکرار شده است:

انقلاب مشروطه (ص ۶۸).

انقلاب ۱۳۲۴-۱۳۲۷ (ص ۶۹).

اگر پاسخ این است که شماره‌های فوق مربوط به پیش و بعد از صدور فرمان مشروطیت است، در این صورت شماره‌های ۱۴۰۳-۱۴۱۴ بایستی تحت نام مظفرالدین شاه و شماره‌های ۱۴۱۵-۱۴۵۳ تحت نام محمد علی میرزا قرار گیرد. اشتباهات املائی. این گونه اشتباهات در سراسر کتاب به چشم می‌خورد. اگر این اشتباهات قبلاً برای نویسنده روشن بود، می‌بایست به صورت یادداشتی مبنی بر تصحیح غلط‌های املائی ضمیمه کتاب می‌گردید.

محمدرضا پهلوی، ۱۳۲۰-۱۳۵۷/۱۹۴۱-۱۹۷۹ - ۱۵۰۰ نوشته‌ها

به علاوه در صفحه ۷۷ فهرست، وقتی به «جمهوری اسلامی ایران» نگاه می‌کنیم، برخلاف سایر مطالبی که در فهرست ذکر شده‌اند، شماره‌ای را در مقابل آن پیدا نمی‌کنیم. همینطور، در صفحه ۱۰۲ حزب توده به صورت زیر مطرح شده است:

توده، حزب ۱۵۲۳-۱۵۲۹

وقتی این مطلب را در صفحه ۷۶ متن اصلی بازبایی می‌کنیم درمی‌یابیم که شماره‌های تخصیصی به حزب توده نوشته نشده‌اند.

در صفحه ۱۰۴ فهرست، «روحانیت (انقلاب اسلامی)» به شکل زیر عنوان شده است:

روحانیت (انقلاب اسلامی) ۱۵۴۹

در مراجعه به متن یعنی صفحه ۷۷ این مدخل یعنی «روحانیت (انقلاب اسلامی)» و شماره رده بندی وجود ندارد.

از مشکلات عمده دیگر فهرست، عدم درج اسامی جغرافیایی است. برای مثال، اگر بخواهیم شماره‌ای را به «تاریخ مازندران» اختصاص بدهیم، به علت عدم راهنمایی فهرست تصور می‌رود که بایستی تمام صفحات متن اصلی رده بندی را جستجو کنیم تا به شماره صحیح تاریخ مازندران برسیم.

در واقع، بعد از ملاحظه و بررسی فهرست، در مورد خود متن اصلی رده بندی هم می‌توان تردید نمود. وقتی متن اصلی رده بندی را بدون ملاحظه فهرست مطالعه می‌کنیم به فاصله‌هایی بین شماره‌های رده بندی برخورد می‌کنیم و چنین تصور می‌شود که شماره‌های مزبور برای «گسترش» شماره‌های رده بندی در آینده در نظر گرفته شده‌اند. اما، بلافاصله پس از رجوع به فهرست نادرستی این تصور آشکار می‌شود. و در اینجا است که به اشکالات بسیار مهمی در متن اصلی رده بندی پی می‌بریم، برای مثال در فهرست در مورد «روحانیت (انقلاب اسلامی)» به شماره رده بندی ۱۵۴۹ برمی‌خوریم. در رجوع به متن اصلی می‌بینیم که اساساً

روزنامه خاص

یادداشت‌های دکتر قاسم غنی. هفت جلد. لندن.

۱۹۸۰-۸۲ میلادی (۶۱-۱۳۵۹ شمسی)

خاطرات دکتر قاسم غنی. با مقدمه محمد ابراهیم باستانی پاریزی. تهران. کاوش. ۱۳۶۱. سی و هشت + ۲۷۷ ص. ۸۲۵ ریال.

در سال ۱۹۴۳ میلادی جنگ دوم جهانی بالاخره به پایان خود نزدیک می‌شد. ایتالیا در شمال آفریقا، و آلمان در اروپا و شوروی شکست‌های سنگینی خورده بودند. قسمت اعظم شمال ایتالیا عملاً در اشغال ارتش آلمان بود. نتیجه جنگ برای بسیاری از مردم ایتالیا روشن بود: اگر جنگ ادامه می‌یافت برای ایتالیا جز شکست حاصلی نداشت. دربار ایتالیا و بسیاری از سران حزب فاشیست نیز همین نظر را داشتند، و در فکر آن بودند که به هر نحو شده است پای خود را از جنگ کنار بکشند؛ اما مهمترین مانعی که در راه پایان دادن به جنگ وجود داشت شخص موسولینی بود که مصمم بود تا آخر در کنار دوست و همپیمان خود، هیتلر، بجنگد. در بیست و چهارم ژوئیه سال ۱۹۴۳، شورای بزرگ فاشیسم که عالیترین مرجع «قانونی» تصمیم‌گیری در ایتالیا آن زمان بود، در پی توطئه و تبانی عده‌ای از اعضای آن، جلسه‌ای با حضور موسولینی تشکیل داد که نتیجه آن خلع موسولینی از فرماندهی کل قوای ایتالیا بود. یکی از کسانی که در این جلسه به خلع موسولینی رأی داد داماد او کنت چیانو (Ciano) بود که تا چند ماه پیش از آن سمت وزارت خارجه رژیم موسولینی را برعهده داشت.

اما نتیجه این تصمیم به مراد حزب فاشیست نبود. فردای آن شب، پادشاه ایتالیا موسولینی را از نخست‌وزیری خلع کرد. موسولینی هنگام خروج از کاخ سلطنتی توقیف شد و گرچه جنگ پایان نیافت اما حزب فاشیست عملاً از صحنه سیاست ایتالیا بیرون رفت. اعضای عالیرتبه آن حزب، که چند تن از طراحان آن توطئه و از جمله کنت چیانو در میان آنان بودند، به خارج از ایتالیا

بعضی از اشتباهات عبارتند از:

صفحه	غلط املایی	صحیح
یازده (مقدمه)	خاصی را در برگیرد...	خاصی را در برنگیرد...
۵۴	آثار ادبی میرعلیشیر	آثار ادبی امیر علیشیر
۸۶	۲۰۸۷ (ل)	۲۰۸۷ (د)

نتیجه. تمام این موارد و مواردی که در اینجا به خاطر کوتاهی مطلب بیان نکردم، نشان می‌دهد که نویسنده نه تنها در تهیه این مطلب رنجی به خود نداده است، بلکه حتی پیش از تهیه چاپ نهائی متن ماشین شده را نیز غلط‌گیری نکرده است. آیا دانشمندان علوم کتابداری که در تهیه این کتاب سهمی داشته‌اند درباره استانداردهای ضروری برای نشر کتاب و تهیه مقاله نقد و بررسی آگاهی‌های لازم را ندارند؟ اگر این کتاب و نقد آن در سایر موضوعات علمی انتشار می‌یافت، مسأله قابل توجه بود، ولی در مورد علوم کتابداری هیچ‌کس را نمی‌توان پذیرفت. بنابراین، چیزی که در پایان پیشنهاد آن لازم است، تهیه و ویرایش کاملاً تجدید نظر شده‌ای از اثر حاضر با بحث و گفتگو پیرامون مسائل موجود، و رفع نارسائیهای آن پیش از انتشار است. اگر امکان چاپ چنین اثری در کوتاه مدت وجود ندارد، بایستی به چاپ ضمیمه‌ای که اشتباهات موجود را در برداشته باشد مبادرت ورزید. این ضمیمه بایستی بین کتابخانه‌ها و افرادی که از این اثر استفاده می‌کنند توزیع شود.

۱. فانی، کامران. رده DSR تاریخ ایران، بازنویسی گسترش تاریخ ایران در نظام رده‌بندی کتابخانه کنگره تهران. مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی، مرکز خدمات کتابداری، ۱۳۵۹.
۲. انصاری، نوش آفرین. رده DSR تاریخ ایران نوشته کامران فانی. نشر دانش. بهمن و اسفند ۱۳۶۰ ص ۸۵-۷۸.
۳. مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی. مرکز خدمات کتابداری. فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان تهران ۱۳۵۶.